

نقش زنان در تحریک عواطف اجتماعی در دوران دفاع مقدس

زهرا قائمی نژاد^۱

چکیده

این مقاله با هدف شناسایی نقش زنان در تحریک عواطف اجتماعی در دوران دفاع مقدس تنظیم و در آن تلاش گردیده تا به این سوال پاسخ داده شود که زنان در دفاع مقدس چگونه موجب تحریک عواطف اجتماعی شدند؟ این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی می‌باشد و روش به کار رفته در آن کتابخانه‌ای بوده است. ابزار به کار رفته در جهت جمع‌آوری داده‌ها، فیش و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. از مهم‌ترین نتایج این مطالعه می‌توان به این موضوع اشاره کرد که، یکی از بازوان اصلی کشور در دوران دفاع مقدس زنان بودند، آنان علاوه بر کارهای خدماتی که انجام دادند با انجام برخی اعمال دیگر سبب تحریک عواطف اجتماعی شدند، برای نمونه از جمله کارهایی که زمینه تحریک اجتماعی را فراهم کرد این کارها بود؛ پشتیبانی انگیزشی و تشویقی، پشتیبانی روحی و معنوی، ترویج ارزش ملی و دینی، ارائه خدمات روانشناختی، مراقبت از خانواده.

کلیدواژه: تحریک عواطف اجتماعی، دفاع مقدس، زنان

^۱- طلبه سطح دو حوزه علمیه کوثر(س) علی‌آباد کتول

مقدمه

جنگ از جمله رخدادهای مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. این حادثه می‌تواند چون نقطه عطفی در تقویم زندگی هر جامعه‌ای باشد؛ به هر نتیجه‌ای که ختم شود، بر ذهن و جان مردم تا سال‌ها و بلکه دهه‌ها بعد سایه می‌افکند و تأثیر غیر قابل انکاری بر زندگی مردم آن جامعه می‌گذارد. ارتش عراق در شهریور ۱۳۵۹ با حمله گسترده نظامی خود در جبهه‌ای به طول ۱۲۰۰ کیلومتر به خاک ایران تجاوز کرد. در این هجوم ناگهانی ارتش عراق آنچه را بر سر راه خود دید منهدم کرد، به دنبال آن در آغاز جنگ ده‌ها شهر مهم را آماج گلوله‌های توپخانه خود قرار داد.

هنگام بروز جنگ و دفاع یک ملت در برابر حمله دشمن تنها اعزام مردان به صحنه نبرد ضامن پیروزی آنان نخواهد بود بلکه حمایت و پشتیبانی از نیروها، تحریض و تشویق مردان به حضور مداوم در جبهه، مراقبت از کودکان، قبول مسئولیت زندگی در نبود مردان و حفظ سنگرهای پشت جبهه تأثیری مستقیم بر سرنوشت کل جنگ خواهد داشت.

در دوران جنگ تحمیلی، زنان نیز چون مردان اسلحه بر دوش گرفته و به مقابله با دشمن شتافتند و در این راه شهید، زخمی و آواره شدند. برای نمایاندن چهره زن در سال‌های جنگ آیینی‌های شفاف‌تر از خاطرات آنان وجود ندارد، خاطراتی که تاریخ این مرز و بوم را تعیین می‌کند و به آن‌ها شکل و روح می‌بخشد. در سال‌های اخیر قدم‌هایی در باب آثاری از حضور زنان در دوران دفاع مقدس ارائه شده است، که این مسئله بسیار جای تحسین دارد زیرا اگر این خاطرات برای نسل جدید که چند دهه از دفاع مقدس فاصله دارند بازگو نشود؛ آنان هرگز متوجه زحمات این بانوان بزرگ نمی‌شوند در صورتی که اگر بیان شود زنان و دختران در دوران جنگ تحمیلی چه وظایف خطیری را بر دوش داشتند قطعاً نسل جوان قدردان زحمات آنان خواهند بود و به پاس قدردانی از آنان و برای عمران آبادانی این کشور نهایت تلاش خود را خواهند کرد.

با توجه به اهمیت بالای این مسئله مطالعات فراوانی در این زمینه صورت گرفته است که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره نمود: سلیمانی (۱۳۸۴) دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی (ره)، رحمانیان (۱۳۷۶) نقش پشتیبانی رزمی زنان در دوران دفاع مقدس، شریف‌پور و لشکری (۱۳۷۶) بررسی نقش زنان در چند داستان کوتاه دفاع مقدس.

مطالعات انجام شده عمدتاً به بررسی دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی (ره)، پشتیبانی رزمی زنان در دفاع مقدس و نقش زنان در دفاع مقدس در قالب داستان پرداخته‌اند. و هیچ کدام در مورد نقش زنان در تحریک عواطف اجتماعی در دوران دفاع مقدس سخنی نگفته‌اند، لذا این مطالعه درصدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که زنان در دفاع مقدس چگونه موجب تحریک عواطف اجتماعی شدند؟

در دوران دفاع مقدس، زنان نقش بسیار مهمی در تحریک عواطف اجتماعی داشتند. این دوره از تاریخ ایران، زمانی بود که کشور در مواجهه با تهدید جدی دشمن خارجی، یعنی عراق بود. در این شرایط، زنان به عنوان بخشی از جامعه و نیروی کار فعال، نقش‌های متعددی را در افزایش انگیزه و اجتماعی کردن عواطف مردم ایفا می‌کردند. در زیر به برخی از این نقش‌ها اشاره می‌شود:

(۱) پشتیبانی انگیزشی و تشویقی

انگیزه یکی از وجوه مهم زندگی انسان است. به گونه‌ای که یک فرد برای ادامه زندگی، بقاء، فعالیت و حتی تغییر نیازمند انگیزه است و بدون انگیزه زندگی انسان بدون حرکت، راکد، سرد و بی‌روح خواهد بود. برای پرورش، رفتارهای جدید باید یاد گرفت، اما برای عمل به آنچه یاد گرفته، نیازمند انگیزه است.

همه انسان‌ها می‌دانند که چگونه وزن خود را کم کنند، نمره بالا بگیرند و با دیگران مهربان باشند. سد راه رسیدن به بسیاری از اهداف، این است که آن‌قدر برایش ارزش قائل نیستند که وقت بگذارند و تلاش کنند. برای تغییر، هم باید دانست (یادگیری) و هم باید خواست (انگیزه)، اما باید به این نکته توجه کرد که از دانستن تا انجام دادن فاصله زیادی است.

در عرف، انگیزه با عنوان تلاش برای رسیدن به هدف و عامل رفتار تعریف می‌شود. هدف‌گزینی، کار مهمی است اما به معنای انگیزه نیست. بسیاری از انسان‌ها اهداف بسیار بزرگی دارند ولی هیچ تلاشی برای رسیدن به اهداف خود انجام نمی‌دهند. به عنوان مثال، بسیاری می‌خواهند پزشک یا مهندس شوند ولی آنچنان که باید درس نمی‌خوانند. به همین علت در علم روان‌شناسی به آمادگی یا گرایش درونی بالقوه برای پاسخ دادن به موقعیت یا محرک خاص بیرونی، از بین موقعیت‌ها و محرک‌های مختلف موجود را انگیزه می‌نامند.^۱

یکی از مهم‌ترین عواملی که سبب افزایش روحیه و انگیزه در کارها می‌شود، خودسازی و تهذیب نفس است. افراد خودساخته دارای روحیه‌ای قوی و با نشاط هستند و همین مسئله کفایت که وقتی می‌خواهند دست به کاری بزنند، آن را با قدرت و انگیزه بالا پیش ببرند. در روایتی از رسول‌اکرم (ص) آمده است که این مسئله را این‌گونه بیان می‌دارند: «حیات دل با مرگ نفس است و با حیات دل است که استواری و استقامت فراهم می‌شود.»^۲

البته ناگفته نماند که گاهی این انگیزه دادن ممکن است از سمت عوامل خارجی مانند خانواده یا اجتماع صورت بگیرد؛ که نمونه آن را می‌توان در هشت سال جنگ تحمیلی مشاهده کرد. این‌که چگونه زنان با انگیزه دادن و تشویق پدر، برادر، فرزند و... زمینه حضور آنان در جبهه جنگ حق علیه باطل را فراهم می‌کردند؛

۱- شاملو، آسیب‌شناسی روانی، ص ۱۰۳

۲- نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۲۶

اهمیت این قضیه را آن‌جا می‌توان درک کرد که زنان توانمند در دوران دفاع مقدس در لحظات وداع با همسر، استوار و پرصلابت او را به سوی جبهه‌ها بدرقه می‌کردند. به همین مناسبت مقام معظم رهبری نقش زنان را در جنگ نه تنها کمتر از مردان نمی‌دانند، بلکه در این باره می‌فرمایند: «اگر زنان حماسه جنگ را نمی‌سرودند و در خانه‌ها جنگ را به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردان اراده و انگیزه رفتن به جنگ را پیدا نمی‌کردند و خیل عظیم بسیجی‌ها به سمت جبهه روانه نمی‌شد.»^۱

همچنین امام خمینی (ره) در باب نقش زنان در تربیت رزمندگان این‌چنین بیان می‌دارند: «امیدواریم که شما در همه چیز موفق و موید باشید، و همان‌طوری که بانوان ایران جان‌شان را، جوانان‌شان را، وقت‌شان را وقف اسلام کردند و اسلام را به اینجا رساندند. و امیدواریم که از این به بعد هم از این بالاتر بشود، و مطمئن باشید که تا شماها در صحنه هستید و شماها متعهد به اسلام هستید و جوان می‌دهید و جوان تربیت می‌کنید، این اسلام به پیش برود، و ان شاءالله با خوبی و خوشی و قطع دست اعدای دین از این کشور و همه کشورهای اسلامی.»^۲

بنابراین زنان در طول تاریخ با ترغیب و تشویق رزمندگان به‌خصوص فرزندان و شوهران خویش نقش عمده‌ای در جنگ تحمیلی ایفا کردند. بدیهی است وقتی رزمنده نگران اداره خانه و فرزندان خودش نیست با خیالی آسوده راهی میدان نبرد می‌شود و بدون دغدغه به جهاد می‌پردازد ولی اگر در خانه و پشت جبهه مشکلی او را رنج بدهد ممکن است وی را از عزیمت به میدان رزم بازدارد یا حداقل در هنگام رزم‌بخشی از ذهنیت، فکر و دغدغه او به عقبه جبهه توجه پیدا کند که این امر می‌تواند در کیفیت رزم رزمندگان تأثیر منفی بگذارد.

در نتیجه مشخص می‌شود هنگام بروز جنگ و دفاع یک ملت در برابر حمله دشمن اعزام مردان به صحنه نبرد تنها ضامن پیروزی نخواهد بود، بلکه حمایت و پشتیبانی درنبرد، تهییج و تشویق مردان به حضور مداوم در جبهه، مراقبت از کودکان و حفظ کانون گرم خانواده، پرستاری از مجروحان و مداوای زخمی‌ها، قبول مسئولیت و انجام وظیفه به‌جای مردان و فراغت ایشان برای شرکت در جنگ و بسیاری موارد دیگری که جزو وظایف زنان محسوب می‌گردند. ازجمله عوامل مهمی هستند که تأثیر مستقیمی بر روحیه رزمندگان و سرنوشت جنگ خواهد داشت.

برای نمونه همسر شهید سرلشکر مسعود منفردنیایی در روزهای شروع عملیات بیت‌المقدس در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۰ خبر فوت دختر دل‌بند خود را به همسر اعلام می‌نماید. از آنجایی که شهید به همسر خود به عنوان

۱- دفتر مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، ص ۴۵

۲- سلیمانی، دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی (ره)، ص ۲۸۰

یک مادر صبور و فداکار ایمان دارد؛ هیچ‌گونه خللی در روحیه این شهید بزرگوار به وجود نمی‌آید و پس از پایان عملیات بیت‌المقدس و پس از ۴۰ روز از درگذشت فرزند بر سر مزار او حاضر می‌گردد.^۱

۲) پشتیبانی روحی و معنوی

معنویت نحوه‌ای از مواجهه با جهان هستی است که نتیجه‌اش این است که حالت‌های نفسانی نامطلوبی مانند غم و اندوه ناامیدی، دلهره و اضطراب، احساس سرگشتگی و سردرگمی، احساس بی‌معنایی و بی‌هدفی تا آن‌جا که امکان‌پذیر است در انسان پدید نمی‌آید؛ این نحوه مواجهه موجب رضایت باطن می‌شود. بنیان‌گذاران ادیان و مذاهب همگی از دین، معنویت را می‌خواسته‌اند و در واقع به این معنا معنویت باطن ادیان است.^۲

معنویت دارای جلوه‌های متعددی در زندگی بشر می‌باشد؛ برای نمونه اعطای روحیه شهامت، شجاعت و فداکاری، اعتقاد به رزاقیت حق تعالی، اطمینان قلبی و آرامش روحی، برخورداری از زندگی پاکیزه^۳ که نمونه‌ی بزرگی از این معنویت در دوران دفاع مقدس قابل رویت می‌باشد؛ زیرا زنان به عنوان مادران، همسران و خواهران افراد مشارکت‌کننده در جبهه، نقش بسیار مهمی در حمایت و پشتیبانی روحی ایفا می‌کردند. آن‌ها با ارائه حمایت‌های عاطفی و روحی به اعضای خانواده‌شان در جبهه، به افراد اعتماد به نفس و اراده بیشتری می‌بخشیدند.

از جمله کارهایی که موجب می‌شد رزمندگان روحیه بگیرند برای نبرد با باطل، سخنرانی مادران و همسران شهدا در مراسم تدفین بود برای نمونه سخنرانی فهیمه بابائیان پور، همسر شهید غلامرضا صادق زاده که: «ای همسر شهیدم! راحت ادامه دارد...» فهیمه پس از آن که بر جسد پاره پاره همسرش حضور یافت، به جای آن که فغان و زاری پیشه کند و سیاه بپوشد، لباس سپید عروسی‌اش را بر تن کرد و گل روز عروسی‌اش را در دست گرفت و پیشاپیش همگان در تشییع پیکر همسرش فریاد برآورد: «ای همسر شهیدم! شهادتت مبارک!» و در هنگام تدفین او، در میان انبوه جمعیت، با صدای رسا گفت: «الهی! رضاً برضائک، تسلیماً لأمرک.» و در مراسم ختم او تأکید کرد که «این ختم نیست که آغاز است، آغاز راهی که همسرمان آن را پیمود...»

از آن پس فهیمه یکسال لباس سپید پوشید؛ چرا که خود را عزادار نمی‌دانست، همان گونه که در تدفین او گفته بود: «اگر غلامرضا به مرگ طبیعی مرده بود، سیاه می‌پوشیدم؛ چرا که عزیزی از دست رفته بود. اما اکنون لباس سپید عروسی‌ام را بر تن کرده‌ام؛ چرا که می‌دانم او هست، ناظر است، شاهد است، من حتی از او

۱- پوربزرگ وافی، زندگینامه امیرسرلشکر شهید مسعود منفردنیایی، ص ۳۴

۲- توحیدی و کرمانی، «نقش مذهب و معنویت بر بهداشت روانی»، ص ۳

۳- جابریان و جهانگیری، جایگاه معنویت اسلامی در نظام خانواده، ص ۶

خانواده نهاد بسیار مقدسی است که هم مایه بقای نسل بشر و هم، بستری است که انسان در آن به کمال می‌رسد. لذا تحکیم آن بسیار مهم و با اهمیت است؛ تحکیم خانواده یعنی بتوان یک خانواده را پابرجا و بدون آسیب نگه داشت؛ چون خانواده در عین حال که نهاد مقدسی است ولی مثل هر نهاد دیگری در معرض آسیب و آفت قرار دارد و این آسیب و آفت‌ها ممکن است به از هم پاشیدگی خانواده منجر شود. اهمیت خانواده و تحکیم آن تا آن جاست که پیامبر گرامی اسلام(ص) درباره آن می‌فرمایند: «هیچ چیزی نزد خدای تبارک و تعالی محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که با ازدواج آباد شود و هیچ چیز در نزد خدا مبعوض‌تر و ناخوشایندتر از خانه‌ای نیست که با جدایی ویران و خراب شود.»^۱

همچنین در حدیث دیگری امام صادق(ع) فرمودند: «خداوند خانه‌ای را که در آن مراسم ازدواج باشد دوست دارد و خانه‌ای را که در آن طلاق باشد نمی‌پسندد و در نزد خداوند چیزی بدتر از طلاق نیست.»^۲

حال با توجه به اهمیت فراوان خانواده اگر کشوری دچار بحران و جنگ شود آن موقع وظیفه مردان چیست؟ آیا باید برای دفاع از وطن اقدام کنند یا بمانند و نیازهای خانواده را برطرف کنند؟ در چنین شرایطی است که زنان به میدان آمده و وظیفه سنگین مراقبت از خانه و خانواده را به دوش می‌گیرند که نمونه آن در دفاع مقدس قابل مشاهده است.

در جنگ علاوه بر وجود خطر مستقیم علیه آن‌ها، زنان با خطری که علیه عزیزان آن‌ها صورت می‌گیرد نیز مواجه هستند. وقتی که مردان مورد حمله قرار می‌گیرند و یا اسیر و زندانی می‌شوند، زنان غالباً تنها رها می‌شوند که اغلب به تنهایی مسئولیت مراقبت از خانواده را بر دوش می‌گیرند.^۳

از دست دادن حمایت مردان خانواده و جدایی اجباری از همسر و پدر و برادر درد دیگری است که بر دردهای زنان جنگ‌زده می‌افزاید. زنان شهرهای دیگر نیز تجربه جدا شدن از اعضای خانواده خود را با فاصله کوتاهی پیدا می‌کنند؛ مردان بسیاری از خانواده‌ها به تدریج برای حضور در صحنه نبرد از سایر اعضای خانواده جدا شده و به مناطق جنگی می‌روند. هم‌چنین گروه‌هایی از زنان نیز وجود دارند که به دلیل باقی ماندن در صحنه جنگ ناچار به ترک خانواده‌های خود می‌شوند. پس از مهاجرت دسته‌های مختلف جنگ‌زدگان به شهرهای امن‌تر، عده‌ای از زنان برای کمک در صحنه نبرد در شهرها باقی می‌مانند یا از خانواده خود جدا شده و به شهر خود مراجعت می‌کنند؛ این افراد بسته به تخصص و توانایی‌های خود؛ در نقش‌هایی مانند پرستار و امدادگر به پرستاری از مجروحان پرداخته یا به خبرنگاری از عرصه نبرد می‌پرداختند و هر بار بر زمین مانده‌ای را که مردان وقت و توانایی برداشتن آن را نداشتند، بر دوش می‌گرفتند: «پدرم گفت چاره‌ای نداریم شما باید قبل از این که بعثی‌ها برسند بروید، من و برادرهایم اینجا می‌مانیم نمی‌توانیم خانه و کاشانه خود را رها کنیم باید

۱- حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۷

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۴

۳- مرتوس، زن، جنگ، بحران، ص ۳۵

بمانیم ببینیم چه می‌شود؛ اما شما مجبورید بروید از سمت سرپل ذهاب به کرمانشاه بروید. آنجا باشید خیال خودتان و ما راحت است.»^۱

تجربه دیگری که جنگ به زنان تحمیل کرد؛ تجربه مورد تهدید واقع شدن خانواده بود. این تجربه زمانی اهمیت می‌یابد که انسان می‌فهمد برای اغلب زنان بخش عمده زندگی در کانون خانواده سپری می‌شود و در واقع زندگی خانوادگی بزرگ‌ترین تجربه مشترک زنان محسوب می‌شود. در اغلب خانواده‌ها همه اعضا نمی‌توانند و نیز نمی‌خواهند با هم از شهر خارج شوند. معمولاً در مراحل اولیه به دلیل هراس از تجاوز، زنان و کودکان از شهرها خارج شده و مردان و پسران نوجوان برای دفاع از شهر باقی می‌مانند: «نمی‌توانستم شهر را ترک کنم من و تعدادی دیگر از زنان در شهر ماندیم و هر کاری از دستان بر می‌آمد انجام می‌دادیم. درگیر کار شده بودیم تعداد شهدا خیلی زیاد شده بود. خصوصاً مناطق مسکونی که مورد هدف قرار می‌گرفت زن و بچه‌ها بیشتر کشته می‌شدند و بالطبع غسال‌خانه زنانه کار بیشتری داشت.»^۲

۱- گفت و گو با مطلع محلی قصر شیرین (۱۳۹۵/۱۱/۹)

۲- حسینی، دا، ص ۱۱۷

نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش حاضر گویای این است که جنگ تحمیلی و دوران جنگ تحمیلی بر زندگی مردم ایران چه در هشت سال و سال‌های بعد از آن بسیار تاثیرگذار بوده است؛ در این دوران زنان و مردان به مقابله با دشمن برای نجات میهن و آرمان‌های خود برخاستند. تجربه‌های این دوران و روایت آنان دستاوردهای منحصر به فردی در اختیار نسل جدید قرار می‌دهد. در این پژوهش هدف بررسی نقش زنان در تحریک عواطف اجتماعی در دوران دفاع مقدس بود؛ در آن دوران زنان نیز همچون مردان اسلحه بر دوش گرفتند و به مقابله با دشمن پرداختند و در این راه شهید و زخمی و آواره شدند.

در آن دوران زنان علاوه بر حضور پررنگ در جبهه از لحاظ عاطفی و احساسی نیز حامی کشور و ملت بودند. از جمله کارهایی که برای حمایت انجام دادند از این قبیل می‌باشد: پشتیبانی انگیزشی و تشویقی؛ زنان با مراقب از خانه و خانواده به مردان‌شان که جبهه بودند انگیزه می‌دادند، پشتیبانی روحی و معنوی؛ زنان با فراهم کردن محیطی مطمئن و پر از امید به پایداری روحی و معنوی جامعه کمک می‌کردند، همچنین ترویج ارزش ملی و دینی از دیگر خدمات ارائه شده بانوان در دوران دفاع مقدس است. زنان به عنوان اعضای فعال جامعه در ترویج ارزش‌های ملی و دینی موثر بودند آنان با ایجاد اتحاد و همبستگی درون جامعه با تهدیدات خارجی مقابله می‌کردند، فعالیت بعدی زنان ارائه خدمات روانشناختی است در آن دوران پر استرس و اضطراب زنان با صبر و شجاعتی که پیشه کردند موجب ایجاد ثابت و آرامش در جامعه شدند، مراقبت از خانواده از جمله کارهای مهم و خطیر زنان در آن دوران می‌باشد زیرا در آن دوران چون مردان خانواده در میادین جنگ حضور می‌یافتند بسیاری از وظایف خانواده بر عهده زنان قرار می‌گرفت. بنابراین مشخص می‌شود که زنان برای حفظ و سربلندی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس گام عظیمی برداشته‌اند.

منابع و مآخذ

- ۱) شاملو، سعید، آسیب‌شناسی روانی تهران: انتشارات رشد، چاپ هفتم، ۱۳۸۳
- ۲) نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: انتشارات آل‌بیت، چاپ اول، ۱۳۶۹
- ۳) دفتر مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ و نشر، چاپ دوم، ۱۳۷۷
- ۴) سلیمانی، داوود، دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی(ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۵) پوربزرگ وافی، علیرضا، زندگینامه امیرسرلشکر شهید مسعود منفردنیایی، قم: انتشارات خادم الرضا(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۶) توحیدی، رضا و کرمانی، شاهین، «نقش مذهب و معنویت بر بهداشت روانی»، فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره ۲، ۱۳۹۰
- ۷) جابریان، علیرضا و جهانگیری، حمید، «جایگاه معنویت اسلامی در نظام خانواده»، فصلنامه تحقیقات مذهبی، شماره ۱۲، ۱۳۹۸
- ۸) کمری، علیرضا، نامه‌های فهیمه، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۶
- ۹) رحمانیان، زهرا، نقش پیش‌بینی رزمی زنان در دفاع مقدس، سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۱۰) جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، قم: انتشارات اسراء، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵
- ۱۱) یوسفی، علی، «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، شماره ۴، ۱۳۷۹
- ۱۲) زهیری، علی‌رضا، انقلاب اسلامی و هویت ملی، قم: انجمن معارف اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۱
- ۱۳) ابن هشام، عبدالملک، سیره نبوی، شیراز: انتشارات ادیب مصطفوی، چاپ دوم، ۱۳۶۹
- ۱۴) خمینی، سید روح‌الله، آیین انقلاب اسلام گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی(ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ چهارم، ۱۳۷۶
- ۱۵) گلمرادی، شیرینعلی، آوازه‌های گل محمدی، تهران: چاپ و نشر فرهنگ گست، چاپ اول، ۱۳۸۱
- ۱۶) آروین جی، ساراسون، روان‌شناسی مرضی، ترجمه: بهمن نجاریان و همکاران، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۹۰
- ۱۷) استرنبرگ، رابرت، روان‌شناسی شناختی، ترجمه: کمال خرازی و الهه حجازی، تهران: پژوهشکده علوم شناختی تهران، ۱۳۸۷

- ۱۸) سعیدی‌راد، عبدالرحیم، مادر خورشید، تهران: انتشارات کتاب مسافر، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۱۹) درخشنده، ابوالفضل، مادران چشم به راه، تهران: انتشارات حدیث قلم، چاپ اول، ۱۳۹۳
- ۲۰) قاسمی، طاهره، عشق ماندگار، تهران: انتشارات بروج، چاپ دوم، ۱۳۸۴
- ۲۱) لطیفه، سیمای ممنوع من، مترجم: نجله خندق، تهران: انتشارات قصه، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۲۲) تقوی، نعمت الله، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ ششم، ۱۳۸۲
- ۲۳) حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران: انتشارات کتابچی، چاپ دهم، ۱۳۸۶
- ۲۴) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: حسین استادولی، تهران: دارالثقلین، چاپ چهارم، ۱۳۹۳
- ۲۵) مرتوس، جولی، زن، جنگ، بحران، مترجم: نجله خندق، تهران: انتشارات قصه، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۲۶) حسینی، سیده اعظم، دا، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ صدم، ۱۳۹۶